از آیت‌ا‌ حائری یزدی تا امام خمینی !

مقدمه

رژیم منحوس صهیونیستی در دوره حیات نامبارک خود، منشاء جنایت‌های بی‌شمار و ظلم‌های بسیار بوده است. این رژیم بعد از اشغال سرزمین فلسطین، با کمک استعمار آمریکا، انواع و اقسام جنایت‌ها را علیه فلسطینیان مرتکب شده است. رژیم اسرائیل با قتل‌عام هزاران کودک و زن و مرد و پیر و جوان، به حیات نامبارک خود ادامه می‌دهد. این مقاله بر آن نیست تا جنایت‌های رژیم صهیونیستی را بازخوانی کند؛ که صحبت درباره این جنایت‌ها نه در یک مقاله، که در چند جلد کتاب هم نمی‌گنجد. این نوشتار به دنبال آن است تا مواجهه مراجع تقلید و آیات عظام با پدیده اسرائیل را بررسی کند تا نشان دهد ایراد و شبهه‌افکنی برخی افراد درباره سهل‌انگاری و یا بی‌توجهی مراجع شیعه و آیات عظام به مسئله اشغال و ادامه حیات اسرائیل، بنیان و پایه صحیح ندارد و تاریخ مستند خلاف آن را اثبات می‌کند.

نگاهی مختصر به تاریخچه پیدایش اسرائیل

پس از تشکیل نخستین کنگره جهانی صهیونیسم در سال 1897م / 1276ش، ایجاد دولتی یهودی در سرزمین فلسطین در صدر فعالیت‌های جنبش صهیونیسم و اتحادیه‌های جهانی یهود قرار گرفت. ریاست این کنگره را تئودور هرتزل[1] به عهده داشت. هدف اصلی و اساسی صهیونیست‌ها در کنگره اول عبارت بود از تلاش برای ایجاد کانون خلق یهود در فلسطین. در دومین کنگره که چند سال بعد تشکیل شد، بار دیگر اکثریت نمایندگان یهودی بر ایجاد کشوری یهودی تأکید کردند.[2]

بعد از جنگ جهانی اول، وزیر امور خارجه انگلیس، یعنی لرد بالفور، به این نتیجه رسید که منافع لندن با ایجاد یک میهن ملی برای یهودیان هماهنگ است. لذا رهبران این کشور مجاب شدند تا با صدور یک اعلامیه، بنیان سیاسی رژیم صهیونیستی را بنا نهند. این بیانیه که در سال 1917م / 1296ش و در اواخر جنگ جهانی اول صادر شد با آرمان‌های یهودیان برای ایجاد یک میهن ملی در فلسطین اعلام همبستگی کرد. این بیانیه به اعلامیه بالفور معروف است.[3]

در نامه آرتور جیمز بالفور – وزیر خارجه انگلیس - خطاب به بارون والتر روتشیلد - یکی از رهبران صهیونیسم - که بعدها به «بیانیه بالفور» مشهور شد چنین آمده است:

«لرد روتشیلد گرامی، بسیار خوشوقتم که از جانب دولت اعلیحضرت، اعلام همدلی ذیل با آرمان‌های یهودیان صهیونیست را که به کابینه تقدیم و با آن موافقت شده ابلاغ نمایم. دولت اعلیحضرت نسبت به ایجاد یک خانه ملی برای یهودیان در فلسطین نظر مساعد دارد و تمام تلاش خود را برای تسهیل دستیابی به این هدف به کار خواهد بست؛ البته باید به روشنی دانست که هرگز نباید کاری انجام شود که ممکن است به حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیریهودی موجود در فلسطین یا حقوق و وضعیت سیاسی یهودیان در هر کشور دیگر، خدشه‌ای وارد سازد. سپاسگزار خواهم شد اگر این بیانیه را به اطلاع فدراسیون صهیونیسم برسانید. آرتور بالفور.»[4]

بدین ترتیب پس از پایان جنگ جهانی اول و شکست و تجزیه امپراتوری عظیم عثمانی، سرزمین فلسطین تحت قیمومیت انگلستان درآمد و به دنبال آن پیرو بیانیه بالفور و توافق انگلیس با یهودیان، مهاجرت یهودیان سراسر جهان به فلسطین آغاز شد.

بروز جنگ جهانی دوم آهنگ مهاجرت یهودیان را به فلسطین کُند نمود. اما پس از پایان جنگ، اتحادیه

جهانی یهود با مظلوم‌نمایی و مطرح کردن ماجرای هولوکاست یا همان کوره‌های آدم‌سوزی هیتلر، تبلیغات وسیعی به نفع یهودیان جهان به راه انداخت و بر لزوم ایجاد میهن یهودی در سرزمین فلسطین تأکید کرد و امریکا نیز که برنده اصلی جنگ محسوب می‌شد حمایت همه‌جانبه‌اش را از این اتحادیه اعلام داشت.[5]به این ترتیب روند مهاجرت یهودیان به ارض مقدس سرعت گرفت.

در 29 نوامبر 1947م / 7 آذر 1326ش، مجمع عمومی سازمان ملل رأی به تقسیم فلسطین داد و بدین ترتیب، با حمایت دول استعمارگر، دولت غیرقانونی اسرائیل موجودیت خود را اعلام کرد. رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی در ایران، با این رژیم همکاری‌های ویژه داشت. از بدو پیدایش دستگاه صهیونیستی اسرائیل، این رژیم به اعمال جنایت در خاک فلسطین اشغالی پرداخت و عده بیشماری را به شهادت رساند. در این میان، علما و مراجع تقلید شیعه با استقامت در برابر این ظلم ایستادند و بارها خطر اسرائیل را به دولت‌ها و مردم گوشزد نمودند و بی‌تحرکی نسبت به این مسئله را مورد اعتراض قرار دادند.

مواضع مراجع و علمای شیعه در مواجهه با رژیم نامشروع صهیونیستی

سرزمین بیت‌المقدس برای مسلمانان سرزمینی مورد احترام است و در قرآن بر اهمیت و جایگاه مبارک آن تأکید شده است.[6]تحرکات یهودیان در منطقه فلسطین و همکاری استعمارگران برای اهدای زمین به آن‌ها موجب شد علمای اسلام به این موضوع واکنش نشان دهند. «در مردادماه 1316ش چند نفر از علمای شیعه ایرانی و عراقی (سید هبه‌الدین شهرستانی، سید محمدمهدی صدر، محمدمهدی اصفهانی، محمدمهدی خراسانی، شیخ راضی آل یاسین) به همراه سه نفر از علمای برجسته اهل سنت عراق (یوسف عطا، حبیب‌العبیدی، ابراهیم الراوی) تلگراف اعتراض‌آمیزی به جامعه ملل و وزارت خارجه انگلستان مخابره نمودند و در آن مراتب اعتراض و عدم رضایت خود را نسبت به تقسیم فلسطین توسط کمیسیون انگلیسی پیل اعلام داشتند و آن را ضربت به قلب اسلام و عرب دانستند.»[7] آیت‌ا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌ا شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء نیز در این راستا اقداماتی کردند. آیت‌ا کاشف‌الغطاء حتی حکم جهاد داد. طی سال‌های بعد، سنت مبارزه با رژیم اشغالگر قدس در بین مراجع تقلید و علما ادامه یافت. در ادامه مواضع برخی از علما و مراجع ایران در مواجهه با رژیم نامشروع اسرائیل را از نظر می‌گذرانیم. شایان ذکر است در این نوشتار بنا به رعایت اختصار تلاش شده تا نمونه‌ای از این مواضع مورد اشاره قرار گیرد و طبیعتاً در این نوشته، امکان بازخوانی تمامی مواضع مراجع عالیقدر به این موضوع مهم میسر نبود.

آیت‌ا‌ العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

آیت‌ا‌ العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم معمولاً از سیاست دور بود. او به اقتضای زمانه، همّت خود را صرف حفاظت و پویایی حوزه علمیه می‌کرد. با این وجود وقتی تحرکات یهودیان در سرزمین فلسطین عیان شد، آیت‌ا‌ مؤسس نیز به این موضوع واکنش نشان داد. در سال 1933م (1312ش) استعمار انگلیس با حمایت از صهیونیست‌ها و سرکوب مسلمانان، زمین‌های فلسطینیان را از دست آنان خارج و به یهودیان مهاجر واگذار می‌کرد. در حقیقت انگلستان با غصب زمین‌های فلسطینیان و ساکنان اصلی آن، در فراهم آوردن مهاجرت یهودیان نقش اصلی را ایفا کرد. در همین زمان بود که آیت‌ا‌ شیخ عبدالکریم حائری حمایت خود را از مردم فلسطین اعلام کرد.

در راستای حمایت از مردم فلسطین آیت‌ا‌ حائری در دی‌ماه 1312 نامه‌ای را توسط آیت‌ا‌ سید محمد بهبهانی به رضا شاه ارسال کرد. متن تلگراف آیت‌ا‌ شیخ عبدالکریم حائری یزدی به رضاخان چنین است:

«حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی خلدا‌ ملکه

بعد از دعاگویی صمیمی، امروزه مسلمین در این هجوم یهود به فلسطین و بیت‌المقدس مستغیث به آن یگانه حامی است و چشم همگی به الطاف خاصه ملوکانه است. امید به اعانت پروردگار جل و علا این غائله مهم با توجهات خاصه مرتفع [شود]، موجب مزید دعاگویی این ضعیف و عامه مسلمین گردد.

الاحقر عبدالکریم حائری»[8]

موضوع تلگراف آیت‌ا‌ حائری توسط آیت‌ا‌ سید محمد بهبهانی در تاریخ ۷ دی ۱۳۱۲ به اطلاع نخست‌وزیری می‌رسد. متن آن چنین است:

«به عرض می‌رساند با تقدیم عرض دعاگویی، مصدع است از طرف حضرت آیت‌ا‌ آقای حاج شیخ عبدالکریم و جمله‌ای از وجوه علمای اعلام قم دامت برکاتهم، تلگرافاً راجع به فلسطین، تظلماتی به حضور مبارک اقدس شاهنشاهی خلد‌ سلطانه شده است و صورتشان را سرکار آیت‌ا‌ معظم برای حقیر فرستاده‌اند اینک تقدیم می‌شود و در صورتی که مقتضی بدانند مقرر فرمایید در جراید نشر شود. شاید این چند روزه از

سایر ولایات هم قریب به همین مضامین مخابراتی شود. به نظر قاصر حقیر درج آن‌ها در جراید بی‌مناسبت نیست. دیگر موکول به تصویب حضرت اشرف عالی است.

الاحقر محمد موسوی بهبهانی»

دربار در پاسخ به این درخواست چنین نوشت: «حسب الامر جهانی مطاع مبارک شاهانه ارواحنا فداه، ابلاغ می‌نماید انتشار تلگراف راجع به مسلمین فلسطین در جراید مقتضی نیست.»[9]

هر چند رژیم رضاخان مانع از انتشار این تلگراف در جراید شد اما دخالت آیت‌ا حائری در این قضیه، نشان از آن دارد که وی به علت رهبری عامه مسلمین در ایران، وظیفه و تکلیف خود می‌دانست که از طرف خود و ملت مسلمان ایران نسبت به هجوم یهودیان به فلسطین موضع‌گیری کند.

آیت‌ا سید ابوالقاسم کاشانی

آیت‌ا سید ابوالقاسم کاشانی از جمله علمایی است که مخالف سرسختانه‌ای با موجودیت رژیم صهیونیستی داشت. او که به واسطه مبارزاتش با انگلیس برای دول استعماری چهره‌ای شناخته شده بود، سابقه‌ای دیرین در مبارزه با دول استعماری و ظالم در کارنامه داشت. وی در دوره نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران نیز در برابر انگلیس ایستاد و به عنوان رهبر مذهبی نهضت، به این مبارزه ادامه داد.

در 11 دی 1326، آیت‌ا کاشانی با صدور اعلامیه‌ای به اعلان موجودیت اسرائیل واکنش نشان داد و نسبت به تولد این رژیم غاصب به ملل مسلمان هشدار داد. در این اعلامیه آمده بود:

«بسم‌ا الرحمن الرحیم

پس از جنگ جهان‌سوز دوم گمان می‌رفت دول بزرگ عالم از آن همه فجایع و آن همه اتلاف نفوس اموال و خرابی‌ها و بیچارگی‌های بشری که سال‌های دراز جبران‌پذیر نیست، پند و عبرت گرفته و به جبران وقایع گذشته برای ایجاد عدل و داد و کندن ریشه ظلم و فساد و جلوگیری از جنگ جهانی دیگر [بپردازند] و با تشکیل سازمان ملل متفق از حقوق و آزادی ملل و دول ضعیف حمایت و پشتیبانی نمایند؛

چنان که در اثنای جنگ به انواع و اقسام مختلف به این تبلیغات عموم ملل را امیدوار می‌نمودند. ولی متأسفانه از رفتار برخلاف انصاف و مروت سازمان ملل درباره اندونزی، مصر و فلسطین خلاف آن ظاهر شد و امید ملل ضعیف مبدل بـه یـأس گردیده است. معلوم نیست وطن بودن فلسطن برای مهاجرین یهودی آلمانی و روسی و آمریکایی و غیره مطابق کدام منطق و قانون است که رأی به تقسیم آن‌ها می‌دهند؟ اگر می‌خواهند صهیونیست‌ها را از خود راضی کنند و استفاده‌هایی که منظور است از آن‌ها بنمایند، در مملکت خود به آن‌ها جا بدهند و آن‌ها را مستقل کنند. در هر صورت تشکیل دولت صهیونیستی، در آتیه، کانون مفاسد بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و زیان آن تنها متوجه اعراب فلسطین نمی‌گردد و علی ای حال بر تمام مسلمین عالم است از هر طریقی که می‌شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایند.»[10] در این اعلامیه آیت‌ا‌ کاشانی چند پیش‌بینی مهم درباره آینده داشت و به همه ملل مسلمان در این باره هشدار داد.

آیت‌ا‌ کاشانی به صدور اعلامیه اکتفا نکرد و برای اعلام انزجار عمومی از مردم خواست تا به تظاهرات مبادرت کنند. از این رو در 20 دی بیش از سی هزار نفر از مردم تهران در مسجد سلطانی تجمع کردند. در همین سال در این سال همزمان با ایام اربعین حسینی هزاران نفر در پامنار محل زندگی آیت‌ا‌ کاشانی تجمع کردند. در یکی از این مراسم آیت‌ا‌ کاشانی برای آن‌ها شروع به سخنرانی کرد و ضمن اشاره به حرکت ظلم ستیزانه امام حسین(ع) و ترسیم فضای زمانه خویش و ظلم‌هایی که بر جامعه مسلیمن می‌شود مردم را دعوت به مبارزه می‌کنند و در ادامه سخنان خود خطاب به مردم می‌گوید: برادران مسلمان ما در فلسطین گرفتار حوادث رقت‌آوری شده‌اند. خانه و لانه آن‌ها در معرض مصادره از طرف یهود واقع شده است جان و مال و عرض و ناموس آن‌ها زیر دست و پای یهود لجوج پایمال شده و می‌شود. مسلمانان دنیا بایستی با مسلمین فلسطین ابزار همدردی کنند و تا درجه امکان به کمک آن‌ها بشتابند.»[11]

این عالم مبارز در ادامه مبارزات خود علیه رژیم صهیونیستی، روز 30 اردیبهشت 1327 دوباره مردم ایران را به تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی دعوت کرد. روزنامه «داد» در این باره نوشت: «روز جمعه در مسجد شاه میتینگ بزرگی داده خواهد شد. مقدمات تظاهرات بزرگی علیه صهیونیست‌های فلسطین فراهم شده و قرار است در ساعت 5 /3 بعدازظهر، دستجات مختلف با صفوف منظم وارد مسجد شاه شده در این تظاهرات شرکت کنند. از طرف آقای آیت‌ا‌ سید ابوالقاسم کاشانی اعلامیه‌ای منتشر شده که در طی آن از کلیه مسلمین برای شرکت در این تظاهرات دعوت کرده‌اند.»[12]

متعاقب این دعوت آیت‌ا‌ کاشانی، اجتماع گسترده‌ای از مردم علیه رژیم صهیونیستی تشکیل شد. در این

روز آیت‌ا‌ کاشانی به افشاگری علیه رژیم صهیونیستی پرداخت و ضمن حمله به استعمار و دعوت مردم به اتحاد، به بیان مصیبت‌هایی که بر مردم فلسطین رفته پرداخت، و در ادامه سخنرانی خود با محکوم کردن رژیم صهیونیستی گفت: «تمام ممالک اسلامی دنیا وطن ماست و ما نیز با تمام قوا جاناً و مالاً نسبت به سهم خود باید از آن‌ها حمایت کنیم و در حفظ منافع و مصالح عالیه مسلمین کوتاهی ننمائیم.» وی سپس با اشاره به عمل خلاف دول استعماری درباره تشکیل اسرائیل گفت: «بعضی دول بدون مجوز قانونی، فلسطین را که مراکز مقدس اسلام و محل مسجد‌الاقصی که قبله مسلمین می‌باشد و سالیان دراز وطن و مسکن مسلمانان به شمار می‌رفت... وطن صهیونیست‌هایی که از نقاط مختلف عالم به آنجا مهاجرت کرده شناخته‌اند. در صورتی که حکومت اسلام از قدیم‌الایام بر فلسطین حقی ثابت دارد و مسلمین دنیا به خصوص ملت مسلمان ایران چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد که صهیونیست‌ها به این حق ثابت دست تعدی دراز نموده و با چنگال‌های آلوده به فساد و ظلم، برادران مسلمان ما را در هم ریخته و خون آنان را بی‌رحمانه بریزند».[13]آیت‌ا‌ کاشانی همچنین با افتتاح حسابی، از مردم خواست تا کمک‌های مالی خود به ملت فلسطین را به آن شماره حساب واریز کنند.[14]

آیت‌ا‌ کاشانی همچنین با نگارش نامه به سازمان ملل متحد، نسبت به انفعال سازمان مزبور در مواجهه با این ظلم آشکار نوشت: « یک عده مهاجر، با کمک و اسلحه دُوَل[دولت‌ها] موفق شدند اعراب را از یک قسمت از سرزمین فلسطین که خانه آن‌ها بود و قرن‌ها در آنجا ماواء داشتند بیرون رانند و اگر دول معظمه اطمینان به اغماض و چشم‌پوشی سازمان از این تجاوز و حق‌کشی نداشتند، مرتکب چنین جنایتی نمی‌شدند. اینک میلیون‌ها مردم مسلمان جهان چشم به راه تصمیمات سازمانند که از این تعدیات جلوگیری نمایند و اجازه ندهند اسلحه و پول بعضی از اعضای آن سازمان به نفع اقلیتی کوچک و به ضرر ساکنین یک قسمت از خاک شرق به کار برده شود.»[15]

آیت‌ا‌ العظمی سید حسین بروجردی

آیت‌ا‌ العظمی سید حسین بروجردی که به مدت 17 سال (از 1323 تا 1340) زعامت حوزه علمیه قم را بر عهده داشت، مواضعی تند علیه رژیم صهیونیستی اتخاذ می‌کرد. در سال 1327، زعیم حوزه قم با صدور مکتوبی نسبت به تشکیل رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد. ایشان در این پیام از مسلمانان ایران و جهان دعوت کردند که افزون بر کمک به مسلمانان، در مجالس دعا و نیایش از یهودیان اشغالگر اعلان برائت و بیزاری نمایند. ایشان با اشاره به آیه 82 سوره مائده[16]یهودیان را دشمن‌ترین افراد نسبت

به مسلمانان خواندند و فرمودند: «تعجب و تأسف کلی از کار یهود است، زیرا آن‌ها بعد از این که نزدیک به چهارده قرن تحت حمایت اسلام و مسلمین بوده‌اند و جان و ناموس و اموال و شعائر دینیشان محفوظ بوده است، می‌خواهند در این زمان انتقام آن همه نیکی‌ها را که در آن مدت طولانی از مسلمانان دیده‌اند، از آن‌ها بگیرند.» سپس با اشاره به جنایات یهود در سرزمین فلسطین تصریح کردند: «مردان شایسته را تحت تعقیب و ارعاب قرار داده و به قتل می‌رسانند. اطفال آن‌ها را کشته و اعراض آن‌ها را مورد هتک قرار داده و معابد و خانه‌هایشان را تخریب نموده و از هیچ شرارت و جنایتی نسبت به آن‌ها ابا ندارند و از هیچگونه تجاوزو تعدی دست‌بردار نیستند.» آیت‌ا‌ بروجردی در پایان از خدا خواستند: «از خداوند متعال مسئلت داریم که مسلمانان را پیروز گرداند و از جانب خود، آن‌ها را یاری کند و این قوم که حقوق مسلمانان را رعایت نمی‌کنند مخذول نماید و آن متعدیان را خوار و ذلیل گرداند و به صورت خوارترین ملت قرار دهد.» و بعد از مسلمانان خواستند: «از برادران با ایمان خود در ایران و سایر نقاط امید آن داریم که خواری و ذلت یهود را از خداوند بخواهند و برای برادران مسلمان خود یاری و پیروزی بر آن‌ها را مسئلت دارند.»[17]

آیت‌ا‌ بروجردی هیچگاه مسلمانان را به قیام علیه اسرائیل دعوت نکردند. چرا که وقتی اسرائیل اعلام موجودیت کرد، مسلمانان در شرایطی نبودند که بتوانند در مقابل اسرائیل بایستند؛ بسیاری از کشورهای مسلمان ناخواسته درگیر جنگ جهانی دوم شده و بسیاری از آنان نیز بعد از جنگ گرفتار استعمار بودند. از طرفی توان نظامی مسلمانان به ‌اندازه‌ای نبود که قدرت مقابله با اسرائیل را داشته باشند. آیت‌ا‌ بروجردی از این موضوع به ‌خوبی آگاه بود و می‌دانست برای رویارویی واقعی با اسرائیل به گذشت زمان نیاز است.[18]

این مرجع عالیقدر که پرچم‌دار وحدت شیعه و سنی در دوره خود بود، از دریچه تقریب مذاهب به حمایت از ملت مظلوم فلسطین می‌پرداخت.[19] موضوع تقریب مذاهب اسلامی تأثیر مهمی بر حوادث فلسطین داشت؛ چنان ‌که مناسبات دوستانه و مکاتبات ایشان با شیخ محمود شلتوت، از رهبران مذهبی مصر، به صدور فتوای تاریخی معروف شلتوت مبنی بر به رسمیت شناختن مذهب شیعه انجامید و باعث شد مسلمانان فارغ از تفکر شیعه و سنی به حمایت از مردم فلسطین برخیزند.[20]

آیت‌ا‌ العظمی سید محمدرضا گلپایگانی

آیت‌ا‌ الـعظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی از جمله مراجعی بود که نسبت به موضوع فلسطین توجهی جدی داشت. ایشان بر غصب سرزمین فلسطینیان توسط اسرائیل اذعان داشت و همراهی و همسویی خود را با ملت مسلمان فلسطین اعلام می‌کرد. هنگامی که رژیم اشغالگر قدس با حمله به مسجد الاقصی در تاریخ 30 مرداد ماه 1348، قبله اول مسلمین را به آتش کشید، یکی از تندترین مواضع آیت‌ا‌ گلپایگانی راجع به اسرائیل اتخاذ شد. حضرت آیت‌ا‌ با صدور اعلامیه‌ای به همین مناسبت، عزای عمومی اعلام کردند و از روحانیون و مردم خواستند در جلسه‌ای که روز جمعه 15 جمادی‌الثانی (7 شهریور) در مدرسه فیضیه قم تشکیل می‌شود، شرکت کنند. متن این اعلامیه که روز 10 جمادی‌الثانی 1389 ق برابر با 2 شهریور 1348ش منتشر شد چنین است:

«بسم اللّه الرحمن الرحیم

لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ الناسَ عَداوَةً لِلَّذینَ آمَنُوا الیَهُود وَ الَّذینَ اَشْرَکُوْا[21]

جامعه روحانیت شیعه و حوزه علمیه قم سانحه دلخراش و فاجعه جبران‌ناپذیر آتش‌سوزی مسجدالاقصی را به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت صلی‌اللّه علیه و آله و سلم که قلب مقدسش از این مصیبت بزرگ جریحه‌دار شده تسلیت عرض می‌نماید. برای اظهار تأثر و ابراز تنفر از اعمال دشمنان اسلام و اشغالگران اماکن مقدسه اسلامی اسرائیل و متجاوزین یهودی، عصر روز جمعه 15 جمادی‌الثانیه در مدرسه فیضیه مجلسی برقرار است. سزاوار است حضرات علماء اعلام و عموم مسلمین در شهرستان‌ها بلکه سایر ممالک اسلامی عزای عمومی اعلام نموده و با تشکیل و شرکت در اینگونه مجالس، همدردی و پشتیبانی خود را با برادران مسلمان علیه صهیونیسم و عمال استعمار اعلام نمایند.

اِنَّ اللّه َعَزیزٌ ذُوانْتِقامٍ

به تاریخ دهم شهر جمادی‌الثانیه 89

محمدرضا الموسوی الگلپایگانی.»[22]

در پی انتشار این اعلامیه، ساواک در گزارشی در همان روز با قید «خیلی خیلی فوری» نوشت: «صبح روز جاری یک نسخه اعلامیه پلی‌کپی شده به امضای گلپایگانی به دیوار حیاط مدرسه فیضیه به مضمون ... نامبرده در نظر دارد با تکثیر این اعلامیه و ارسال آن به شهرستان‌های دیگر اقداماتی به عمل

آورد...»[23]

ساواک در 3 شهریور 1348 پیرامون این اعلامیه دستور داد عاملین توزیع آن به سرعت بازداشت شوند. در این گزارش آمده بود:

«از: بخش شش

به: ریاست ساواک چهارگانه

برابر اطلاع حاصله قرار است از طرف آیت‌ا‌ گلپایگانی اعلامیه‌ای در مورد آتش‌سوزی مسجدالاقصی چاپ گردیده و در بین مردم توزیع شود. دستور فرمائید با توجه به امکانات موجود و با آموزش‌های لازم به منابع:

رئیس ساواک تهران.»[24]

ساواک که از اثرات وسیع این اعلامیه به شدت به وحشت افتاده بود، به سید کاظم شریعتمداری متوسل شد. آقای شریعتمداری در ملاقات با رئیس ساواک قم از برگزاری این مراسم اظهار نگرانی کرد و گفت: از رفتن طلاب تحت اختیارش به طور غیرمستقیم به این مجلس جلوگیری خواهد کرد.[25] ساواک همچنین اقدامات دیگری را برای لغو این مراسم انجام داد. دستگاه پهلوی تمام تلاش خود را کرد تا برنامه مزبور لغو شود.[26] همین مسئله موجب واکنش آقای گلپایگانی شد و ایشان با صدور اعلامیه دیگری، از کارشکنی دستگاه در این خصوص گلایه کردند. رژیم به خاطر واهمه از این تجمع، درب مدرسه فیضیه را بست و مانع از این گردهمایی شد.[27]

علاوه بر این، آیت‌ا‌ گلپایگانی در جلسات وعظ و سخنرانی خود نیز مواضع تندی علیه رژیم اشغالگر قدس اتخاذ کردند. روز 4 شهریور ایشان در مسجد اعظم قم بیاناتی را ایراد کردند. در ابتدای سخنان خود اعلام کردند که به خاطر جنایت‌های اسرائیل در مسجدالاقصی به مدت دو روز دروس خود را تعطیل کرده‌اند. ایشان تأکید کردند که «مسلمانان باید متحد شوند و اماکن مقدس واقع در سرزمین‌های اشغالی را از اسرائیل پس بگیرند.»[28] آیت‌ا‌ گلپایگانی در واکنش به تهدیدهای دستگاه امنیت به خاطر صدور اعلامیه مذکور، صریحاً اعلام کردند که اگر این اقدام جرم است «بیائید مرا دستگیر کنید.»[29] و سپس افزودند: «ما هرچه سکوت می‌کنیم و از سیاست کناره‌گیری می‌نماییم دستگاه اشتباه کرده و

سوء تفاهم می‌کند.»[30]

مخالفت آیت‌ا‌ گلپایگانی با رژیم غاصب اسرائیل محدود به این موارد نبود. در اکتبر 1973م / مهر 1352، شش سال بعد از جنگ شش روزه،[31] هنوز آثار و پیامدهای این نبرد باقی مانده بود. این موضوع یک بار دیگر مصر و سوریه را به جنگ با اسرائیل کشاند. همزمان با این منازعه، آیت‌ا‌ سید محمدرضا گلپایگانی با ارسال پیامی به تاریخ 21 مهر 1352 حمایت خود را از مسلمانان اعلام کرد. در این مکتوب آمده بود: «عالیجناب شیخ احمد کوفتار، مفتی کشور سوریه، درود بر شما. پیکار عادلانه و دلیرانه ارتش مسلمان سوریه که دوش به دوش برادران مصری بر ضد تجاوزکاران صهیونیزم آغاز کرده‌اند، به عنوان پیکار کلیه مسلمانان جهان علیه یهودیان تجاوزکار و دشمنان خدا به شمار می‌رود. ما ضمن درود فراوان به ارتش دلیر سوریه، این اقدام شجاعانه را که برای سرنگون کردن دشمن و سرکوب نمودن غرور او آغاز شده تبریک می‌گوئیم و از درگاه خداوند متعال موفقیت و پیروزی آن‌ها را مسئلت نموده و اطمینان می‌دهیم که ملت مسلمان ایران از صمیم قلب این پیکار را مورد اهمیت قرار داده و جریان آن را لحظه به لحظه دنبال می‌کنند. ملت ایران ضمن پشتیبانی مکرر خود از قضیه فلسطین، آمادگی خود را برای تقدیم هرگونه کمک به نفع قضیه اسلام در این پیکار اعلام می‌دارد. 15 رمضان مبارک 1393 / ایران / محمدرضا موسوی گلپایگانی.»[32]

به گزارش ساواک روز 27 مهر 1352 مصادف با 21 رمضان، آیت‌ا‌ گلپایگانی در مسجد امام حسن عسگری(ع) قم سخنرانی نموده و با اشاره به جنایت‌های رژیم صهیونیستی و حمله این رژیم به بیمارستان‌ها و کشتار غیر نظامیان، صریحاً اعلام کرد: «اگر به ما اجازه بدهند حاضریم تفنگ به دست گرفته به نفع برادرانمان عازم جبهه شویم.»[33]مواضع آیت‌ا‌ گلپایگانی نسبت به اسرائیل بسیار تند و صریح بود که در اینجا تنها به چند نمونه اشاره شد.

ساواک در گزارش دیگری به تاریخ 1 فروردین 1357، درباره موضع‌گیری آیت‌ا‌ گلپایگانی علیه رژیم صهیونیستی گزارش داد:

«انتشار اعلامیه آیت‌اله سید محمدرضا گلپایگانی در مورد حمله نیروهای اسرائیل به جنوب لبنان

روز 1 /1 /2537، آیت‌اله گلپایگانی اعلامیه‌ای در مورد تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و کشتار افراد بی‌گناه و تخریب اماکن و خانه‌های آن‌ها منتشر نموده و طی آن نوشته است: «ما ضمن تجلیل از فداکاری‌ها و جانبازی‌های مسلمانان غیور که از شرف و حیثیت خود دفاع می‌نمایند، این مصائب بزرگ

را به حضرات علمای اعلام و برادران ایمانی و بازماندگان مقتولین جنوب لبنان تسلیت عرض می‌نمائیم. هنوز مسلمانان برای حوادث خونین قم و تبریز داغدار بوده‌اند که خبر فاجعه جنوب لبنان بار دیگر قلوب همه را جریحه‌دار نموده و مردم مسلمان را در این ایام عزادار ساخت.»[34]

آیت‌ا‌ علامه سید محمدحسین طباطبایی

علامه سید محمدحسین طباطبایی به خاطر بُعد علمی‌اش، نسبت به دیگر مراجع دور از سیاست بود و بیشتر به مسائل علمی، فلسفی و قرآنی اشتغال داشت. با این وجود در برخی مواقع به مسائل سیاسی نیز توجه نشان می‌داد.[35]علامه نسبت به مسئله اسرائیل توجه ویژه داشت. او اسرائیل را رژیمی نامشروع و غاصب می‌دانست و در جایی در رابطه با تجهیز رژیم صهیونیستی توسط انگلیس، فرانسه و آمریکا نوشته است: «بخش کوچکی از فلسطین یک بندر دریایی و پایگاه نظامی برای دول معظمه انگلیس و فرانسه و آمریکا می‌باشد و دولت پوشالی و دست‌نشانده‌ای به نام دولت اسرائیل در آنجا حکومت می‌کند و در این مدت کوتاه هرچه توانسته‌اند به تقویت و تجهیزش پرداخته‌اند و با تمام نیرو نگذاشته‌اند که دول اسلامی علیه ایشان متحد شوند.»[36]

علامه طباطبایی در سال 1349 – درست در دوره‌ای که روابط تنگاتنگ اسرائیل و رژیم پهلوی بر همگان هویدا بود، به‌طور علنی جانبداری از ملت فلسطین را پیشه خود ساخت. مرحوم حجت‌الاسلام‌ و المسلمین سیدهادی خسروشاهی در این رابطه می‌گوید: «علاوه بر مسائل داخلی، علامه طباطبایی در مسائل مهم دنیای اسلام هم به ‌نحوی اظهارنظر و یا ادای تکلیف می‌کردند که یکی از آن موارد مسئله فلسطین بود که معظم‌‌له همراه مرحوم آیت‌ا‌ سید ابوالفضل زنجانی و شهید آیت‌ا‌ شیخ مرتضی مطهری با افتتاح حساب مشترک در چند بانک تهران، برای کمک‌‌رسانی به مردم فلسطین اقدام لازم را به عمل آوردند که در آن شرایط حساس، این عمل احساس مسئولیت ویژه‌ای را نشان می‌دهد.»[37]

در بهار و تابستان سال 1349، به سرعت نسخه‌هایی از یک اعلامیه که در طلیعه آن حدیث نبوی « مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِی یَا لَلْمُسْلِمِینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ»[38] نقش بسته بود، بین مردم توزیع شد که در آن، شماره حساب‌هایی به منظور کمک به مجاهدان فلسطینی به مردم معرفی شده بود.[39] این اعلامیه‌ها با امضای آیات سید محمدحسین طباطبایی، مرتضی مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی در بازار، مساجد، هیأت‌ها و دانشگاه‌ها توزیع می‌شد و همزمان روحانیون

انقلابی در منابر از مردم دعوت می‌کردند تا از طریق شماره حساب‌های مندرج در آن، به مردم فلسطین کمک کنند.

با فراگیر شدن این اعلامیه، ساواک طی گزارشی دیگر در 16 اردیبهشت 1349 با اشاره به افتتاح حساب مزبور درخواست کـــــرد صاحبان آن حساب‌ها «به‌طور غیرمحسوس» شناسایی شوند.[40] یکی از گزارشگران ساواک از احتمال ارسال این کمک‌ها «به طور پنهانی» برای «آوارگان فلسطینی» خبر داد.[41]ساواک سه روحانی را احضار کرد اما هیچ یک از این سه بزرگوار به این موضوع تن ندادند و به دفتر ساواک مراجعت نکردند. ساواک که به خاطر موقعیت و جایگاه علامه طباطبایی قادر به فشار بیش از این نبود، موفق نشد جلوی فعالیت‌های ضد صهیونیستی او را در این برهه سد کند.[42]

آیت‌ا‌ العظمی سید محمدهادی میلانی

آیت‌ا‌ میلانی نیز همچون سایر مراجع تقلید نسبت به تحرکات و ظلم‌های اسرائیل مواضع تندی اتخاذ می‌کرد. به عنوان نمونه، در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، ایشان با صدور مکتوبی، هرگونه معامله و ارتباط با یهودیان را تحریم کردند. در این پیام آمده بود:

«بسم اللّه تعالی شأنه

السلام علیکم

این حادثه مؤلمه فوق الحد، موجب تأثر و تأسف همه مسلمین جهان شد و بر تأثر از فجائع گذشته افزوده الی اللّه المتشکی و الی ولیه المهدی علیه الصلوه والسلام نرفع الشکوی ـ خداوند متعال یهود را معرفی فرموده که یسعون فی الارض فساداً[43] و نیز فرموده لتجدن اشّدالنّاس عداوه للذین آمنوا الیهود[44]ـ و در حدیث از پیغمبر اکرم صلی‌اللّه علیه و آله و سلم است می‌فرماید: اظهرو البرائ‌ منهم و باهتوهم لکیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام[45] ـ بنابر این بر همه مسلمانان لازم است از هرگونه معامله و رفتار دوستانه با اسرائیلیان خودداری نمایند. و نیز لازم است نسبت به برادران مسلمان مصیبت دیدگان از هر نوع مساعدت مادی و معنوی دریغ ننمایند که رسول اکرم صلی‌اللّه علیه و آله فرمود: من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم[46] و بسیار مقتضی است اقامه مجالس

یادبود برای لشکریان اسلام که در این جنگ تا آخرین نفس مقاومت کردند و با کمال شهامت از حدود و ثغور کشورهای اسلامی و مسجد اقصی دفاع نمودند. البته نام نیک خود را در تاریخ ثبت نمودند. اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه

محمدهادی الحسینی المیلانی»[47]

در پی این اعلام نظر، ساواک در 4 تیر 1346 در گزارشی نوشت:

«از: مرکز

به: ساواک خراسان

اخیراً فتوکپی اظهارنظر میلانی درمورد جنگ اعراب و اسرائیل و خودداری مسلمانان از برقراری ارتباط با یهودیان که به خط خود او می‌باشد در تهران انتشار یافته و متعاقباً جهت آن ساواک ارسال خواهد شد... مقدم»[48]

در پی حمله اسرائیل به مسجدالاقصی در 30 مرداد 1348، سید محمدعلی میلانی فرزند آیت‌ا‌ میلانی در صحن نو در حرم امام رضا(ع)، سخنرانی کرده و از طرف پدر بزرگوارش حادثه فوق را تسلیت می‌گوید. سپس با تأکید بر این که «من پیام پدرم آیت‌ا‌ میلانی را ابلاغ می‌کنم» از طرف ایشان می‌گوید: « در این ماه اخیر دو مصیبت بزرگ بر اسلام و مسلمین وارد شده؛ یکی موضوع عراق و حوزه علمیه نجف که مراجع تقلید و طلاب در آنجا مورد هتاکی و بی‌احترامی قرار گرفته و این روزها جرائد عربی اعلام کردند که سه نفر از مراجع بزرگ شیعه باید اعدام شوند و مصیبت دوم آتش سوزی مسجدالاقصی [است] که قلب پیغمبر را جریحه‌دار کرده و ما و تمام مسلمین جهان از این حادثه متأسفیم و باید همه اقدام کنند، همت کنند و مسجدالاقصی ترمیم و تعمیر شود.»[49]

در پائیز سال 1352 و در پی حمله دوباره اسرائیل به کشورهای اسلامی (مصر و سوریه) آیت‌ا‌ میلانی دید و بازدید مرسوم عید فطر را لغو کردند. ساواک در این باره گزارش داد: «روز عید فطر عده معدودی از دوستان و محارم یاد شده از وی دیدن کرده‌اند و عدم پذیرفتن عموم را به عنوان دید و بازدید قبلاً میلانی اعلام کرده بود و این عمل ظاهراً برای ابراز همدردی با کشورهای عربی در حال جنگ با اسرائیل بوده است.»[50]

آیت‌ا‌ العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی

ایشان برای کمک به مردم مظلوم فلسطین، مبالغی را جمع‌آوری و به آن سرزمین می‌فرستادند.[51]همچنین از کمک غیرمادی به آوارگان فلسطینی نیز غافل نبود.[52] ساواک در 10 تیر 1346 در این باره گزارش داد:

موضوع: آیت‌ا‌ شهاب‌الدین مرعشی نجفی

طبق اطلاع نامبرده بالا اخیراً نامه‌هایی جهت چند نفر از روحانیون مقیم همدان به اسامی آیت‌ا‌ آخوند ملاعلی [معصومی همدانی]. آیت‌ا‌ [سید نصرا‌] بنی‌صدر. آقای [حاج شیخ علی] دامغانی. آقای [میرزا طاهر ربانی] شاهنجرانی و شیخ رضا انصاری ارسال داشته که متن آن‌ها یکی بوده و از نامبردگان خواسته که با یهودیان مبارزه نمایند و حسابی هم در بانک برای شهدای مسلمین در جنگ اعراب با اسرائیل افتتاح گردیده و در خاتمه از مردم درخواست کمک شده است. ملاحظات ـ خواهشمند است دستور فرمایید ضمن انعکاس هرگونه اطلاع مکتسبه در این زمینه ارسال نامه‌هایی (به همدان) به نحو غیرمحسوس در این باره تحقیق و نتیجه را اعلام نمایند.»[53]

در پی جنایت‌های اسرائیل، در 3 تیر 1346 آیت‌ا‌ مرعشی نجفی با صدور پیامی، اعلان عزا کردند و برگزاری جشن در روز میلاد پیامبر را تحریم نمودند. در این پیام آمده بود:

«بسمه تعالی

یفرح هذا الوری بعیدهم و نحن اعیادنا مآتمنا[54]

به مناسبت جریحه‌دار بودن قلوب مسلمین از حوادث اخیره و عزادار بودن بازماندگان مقتولین از آن‌ها، شایسته است برادران دینی برای اظهار همدردی با مصیبت‌زدگان و آسیب‌دیدگان مسلمین از دست ملت منفور (اسرائیل) تظاهر به جشن و چراغانی در روز مولود مسعود پیغمبر اکرم صلی‌ا‌لله علیه و آله و سلم ننمایند و حقیر هم در یوم مذکور از جلوس خودداری خواهم نمود. از خداوند متعال درخواست فتح و فیروزی برای برادران مسلمان نموده و خذلان طائفه یهود را خواهانم.

شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی. 15 ربیع الاول 1387»[55]

ایشان در 21 خرداد همان سال و با بروز جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، بار دیگر با صدور اعلامیه‌ای به جنایت‌های صهیونیسم جهانی واکنش نشان دادند. در این بیانیه آمده بود:

«بسم اللّه الرحمن الرحیم

و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللّه امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون

همان‌طور که مقام شامخ روحانیت پیش‌بینی می‌کرد و خطر یهود را مکرراً گوشزد مسلمانان می‌نمود این پیش‌بینی و دوراندیشی جامه عمل به خود پوشید و ضایعه مولمه یعنی حوادث اخیر را به بار آورد. این فاجعه موجب تأثر شدید کلیه مسلمانان و بالخصوص علما اعلام گردید و روحانیون ایران تجاوز ظالمانه اسرائیل را بر برادران مسلمان شدیداً تقبیح نموده و از خداوند متعال درخواست می‌نمایند که کید و مکر آنان را بر خودشان برگردانده و مسلمانان را نصرت و یاری فرماید. و امید از برادران دینی چنان است که از هر نوع کمک و ارتباط با ملت یهود خودداری نموده و از کمک مادی و معنوی به آسیب‌دیدگان و بازماندگان مسلمین دریغ نفرمایند (ان تنصروا اللّه ینصرکم) و رجاء آن داریم که این پیش‌آمد ناگوار موجب بیداری بیشتری برای مسلمانان و توجه آنان را به تذکرات روحانیت فراهم آورد و به جهت اعتلا اسلام و حفظ احکام و قوانین قرآن شریف وحدت و اتفاق خود را حفظ بفرمایند. (و اعتصموا بحبل اللّه جمیعا و لاتفرقوا)

حرره الداعی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

2 ربیع المولود 1387»[56]

ساواک مشهد درباره این اعلامیه گزارش داد: «به مناسبت جنگ اعراب و اسرائیل سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی شدیدا اظهار تأسف نموده سپس برای شهادت شهدای عرب در جنگ مذکور مجلس ختمی روز 26 خرداد از ساعت 3 الی 6 بعدازظهر در مسجد امام در قم ترتیب داده است. این روحانی ضمن اعلامیه‌ای از عموم طبقات مختلف دعوت کرده است که در این مجلس شرکت کنند. ضمناً طی اعلامیه دیگری از قاطبه مردم تقاضا کرده است که هر کس به اندازه قدرت و استطاعت به بازماندگان شهدای عرب کمک کرده وجوهات خود را به حساب شماره 1 بانک صادرات واریز کنند.»[57]

آیت‌ا‌ الـعظمی آقا سید روح‌ا‌ خمینی

امام خمینی(ره) چه پیش از آغاز نهضت اسلامی و چه پس از آن همواره رژیم غاصب اسرائیل را خطری بالفعل برای جهان اسلام و بلکه برای بشریت می‌دانست و دائماً به این خطر هشدار می‌داد. مسئله فلسطین در منظومه فکری امام خمینی جایگاه ویژه‌ای داشت. در این منظومه فکری، مبارزه با شاه هم در راستای مبارزه با اسرائیل تعبیر می‌شد. ایشان در جایی فرموده‌اند: «یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است، کمک او به اسرائیل است. من همیشه در مطالبم گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل به وجود آمد با او همکاری کرده است و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود، شاه همچنان نفت مسلمین را غصب کرده و به اسرائیل می‌داد و این امر، خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است.»[58]

امام خمینی هرگاه به جنایت‌های رژیم پهلوی اشاره می‌کرد، گریزی هم به جنایت‌های رژیم صهیونیستی می‌زد. زیرا که این دو دستگاه را در کنار هم و همسو با هم می‌دید. ایشان با اشاره به روابط رژیم شاه و دولت صهیونیستی، نسبت به «خطر اسرائیل و عمال ننگین آن» هشدار می‌دادند. مثلا در 1 بهمن 49 فرمودند: «اسرائیل که امروز دشمن شناخته ‌شده‌ی اسلام و مسلمان‌هاست و مدت‌هاست که با ملل مُسْلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است. اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند.»[59]

ایشان در سخنرانی‌های خود همواره به اسرائیل می‌تاختند و رابطه پشت پرده رژیم شاه را با این دولت غاصب افشا می‌کردند. سخنرانی امام در عصر عاشورای سال 1342 (13 خرداد) بسیار کوبنده بود و موجب شد رژیم ایشان را بازداشت کند. در این سخنرانی امام ضمن حمله به شاه، به اسرائیل تاخت. امام در این سخنرانی فرمودند: «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمّال سیاه خود، مدرسه (فیضیه) را کوبید. ما را می‌کوبند؛ شما ملت را می‌کوبند. می‌خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می‌خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می‌خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروت‌ها را تصاحب کند به دست عمّال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می‌شکند؛ قرآن سد راه است، باید

شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینیه ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آن‌ها شکسته شود برای این که اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می‌کند... امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده‌اند در سازمان امنیت و گفته‌اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می‌خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید؛ یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید؛ یکی هم نگویید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می‌خواهید بگویید... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید: از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید؛ این دو تا تناسبشان چیست؟ مگر شاه اسرائیلی است؟ به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است؟ اینطور که نیست، ایشان می‌گوید: مسلمانم؛ ایشان که ادعای اسلام می‌کند، محکوم به اسلام است، به حَسَب ظواهر شرع.»[60]

امام در 18 فروردین 1343 در یک سخنرانی بار دیگر از اتحاد رژیم شاه با اسرائیل انتقاد کردند و اسرائیل را دشمن ملل مسلمان خواندند. در فرازی از این سخنرانی آمده بود: «تأسف بالاتر تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر بسیاری از شئون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیات آن، به کمک دولت و عمّال دستگاه جبار. اسرائیل با دوَل اسلامی در حال جنگ است، و دولت ایران با کمال دوستی با او رفتار می‌کند و همه نحو وسایل تبلیغ و ورود کالاهای آن را فراهم می‌سازد... من به جمیع دوَل اسلام و مسلمین جهان، در هر جا هستند، اعلام می‌کنم که ملت عزیز شیعه از اسرائیل و عمّال اسرائیل متنفرند، و از دولت‌هایی که با اسرائیل سازش می‌کنند متنفر و منزجرند. این ملت ایران نیست که با اسرائیل منفور در حال سازش است؛ ملت ایران از این گناه بزرگ بری است. این دولت‌ها هستند که به هیچ وجه مورد تأیید ملت نیستند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و حفظ احکام اسلام را خواستار است.»[61]

در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، امام خمینی به حمایت از دُوَل مسلمان پرداخته و بار دیگر بر اتحاد ملل مسلمان در برابر این جرثومه فساد تأکید کردند. چند سند زیر درباره موضعگیری امام خمینی در قبال جنگ شش روزه است. در سند اول ادعا شده که حضرت امام مطالبی علیه رژیم صهیونیستی و دولت ایران و کشورهای عربی و اسلامی بیان داشته است. شکل گزارش مذکور در سند اول به صورتی است که با شیطنت خواسته چنین القاء نماید که روابطی بین حضرت امام با رژیم عراق و رهبر آن زمان مصر جمال عبدالناصر برقرار بوده است. این خط القاء، از طرف دستگاه امنیتی شاه تا سال‌ها ادامه یافت تا بلکه به خیال خود شائبه‌ای در ذهن و دل طرفداران و دوستداران ایشان ایجاد نماید و با تحریک احساسات ناسیونالیستی و ضد عربی، محبت و شوکت امام را از قلب‌ها بزداید، ولی حفظ، نصرت و یاری

خداوند و هوشیاری و دقت حضرت امام همواره این نقشه شوم را به شکست و رسوایی رساند. امام خمینی در آن زمان هیچ مصاحبه رسمی و غیر رسمی با هیچ یک از نشریات و خبرگزاری‌های عراق و غیر عراق به انجام نرساند بلکه صرفاً اعلامیه‌ای کوتاه ولی پرمحتوا و روشنگرانه صادر نمود و رژیم وقت عراق هم که در جبهه اعراب و ضد صهیونیست‌ها می‌نمود این اعلامیه را در تاریخ 19 / 3 / 1346 به زبان عربی و فارسی از برنامه صدای روحانیت رادیو بغداد پخش نمود. توجه در متن سند اول و اعلامیه امام در سند بعدی روشن می‌سازد آنچه سعی شده با جمله: «آقای خمینی دیروز به مخبر خبرگزاری عراق اعلام داشته...» در واقع قسمت‌هایی از اعلامیه 28 صفر 1387 (17 / 3 / 1346) ایشان است نه گفتار و مصاحبه با رادیو عراق و یا هر خبرنگار یا مخبر دیگری از عراق و غیر عراق.

در این گزارش آمده است: «آقای خمینی دیروز به مخبر خبرگزاری عراق اعلام داشته: بارها از دول اسلامی خواسته‌ام با هم متحد شده اختلافات خود را کنار گذارند و در برابر دول بیگانه و دشمن اسلام و همدستان آن‌ها متحد شوند و مخصوصاً دولت ایران را از همکاری با اسرائیل کافر بر حذر داشته و خواسته است این نهال تلخ را از میان مسلمانان ریشه‌کن سازند و از کمک به اسرائیل و یاران آن خودداری کند، هر گونه کمک مادی و معنوی را قطع و از نفت و سلاح محروم سازد و هر رابطه بازرگانی و سیاسی را با آن قطع و استعمال تمام محصولات اسرائیل را ممنوع نماید و تمام ملل مسلمان باید بدانند که همکاری به نحوی که اشاره شد [با] دشمن اسلام و مسلمانان می‌باشد و از خداوند مسئلت می‌نمایم که ملت اسلام را از همه جا بر دشمنان پیروز دارد.»[62]

در سند دیگری با موضوع «پخش اعلامیه» به توزیع اعلامیه‌های امام علیه اسرائیل اشاره شده و آمده است: «حسن تهرانی صاحب کتابخانه[انتشارات] ارشاد واقع در بازار بین‌الحرمین یکی از عوامل چاپ و توزیع اعلامیه‌های خمینی و سایر روحانیون (در مورد وقایع اخیر اعراب و اسرائیل) می‌باشد. نمونه‌ای از اعلامیه‌های مذکور که وسیله نامبرده در اختیار یکی از دوستانش گذارده شده است به پیوست ایفاد می‌گردد.»[63]

در ادامه این گزارش، متن اعلامیه حضرت آیت‌ا‌ الـعظمی آقای حاج آقا روح‌ا‌ خمینی که «به مناسبت تجاوز اسرائیل و استعمارگران غربی به بلاد اسلامی» صادر شده آمده است. متن این اعلامیه چنین است:

«بسم ا‌ الرحمن الرحیم

کراراً دولت‌های اسلامی را دعوت به اتحاد و برادری نموده‌ام در مقابل اجانب و ایادی آن‌ها که

می‌خواهند با ایجاد نفاق در بین مسلمین و دولت‌های اسلامی «ممالک عزیز ما را تحت اسارت و ذُلّ ِ استعمار نگه‌ دارند و از مخازن معنوی و مادی آن‌ها استفاده کنند. کراراً دولت‌ها را به خصوص دولت ایران را از اسرائیل و عمّال خطرناک آن تحذیر نموده‌ام. این ماده فساد که در قلب ممالک اسلامی با پشتیبانی دول استعماری بزرگ جایگزین شده است و ریشه‌های فسادش همه روزه ممالک اسلامی را تهدید می‌کند باید با همت و همکاری ممالک اسلامی و ملل بزرگ اسلام ریشه‌کن شود. اسرائیل به کمک استعمار قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام قلع [و] قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است. رابطه با اسرائیل و عمّال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است و باید مسلمین از استعمال امتعه و اجناس اسرائیل خودداری کنند. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علی من اتبع الهدی. النجف الاشرف

روح‌ا‌ الموسوی الخمینی 28 / صفر / 1387 (17 / 3 / 1346)»[64]

امام خمینی همچنین اجازه دادند تا وجوهات شرعی در راه مبارزه با اسرائیل خرج شود: «قبلاً هم تذکر داده‌ام که دولت غاصب اسرائیل، با هدف‌هایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آن‌ها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آن‌ها امکان پذیر نشود. و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی - به خصوص- و بر سایر مسلمین- عموماً-که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند. و جایز است از محل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند.»[65]

در 19 مهر 1347، حضرت امام خمینی بر لزوم مبارزه با رژیم اسرائیل تأکید کردند و فرمودند: «نخستین و آخرین نظر نسبت به برادران پایدار و رزمنده ما این است که به شکل پیگیر و خستگی‌ناپذیر به پیکار خویش ادامه دهند.»[66]

در پی حمله رژیم اشغالگر قدس به مسجدالاقصی در مرداد ماه 1348 امام خمینی به این موضوع واکنش نشان داده و فرمودند: «مسجدالاقصی را آتش زدند، ما فریاد می‌کنیم که بگذارید، مسجدالاقصی به همین حال نیم سوخته باقی باشد، این جرم را از بین نبرید، ولی رژیم شاه حساب باز می‌کند و صندوق می‌گذارد و به اسم بنای مسجدالاقصی از مردم پول می‌گیرد. تا شاید بتواند از این راه استفاده نماید و جیب خود را پر کند، و ضمناً آثار جرم اسرائیل را از بین ببرد.»[67]

در طول دهه پنجاه شمسی و تا تحولات انقلاب اسلامی، امام همچنان در اعلامیه‌های مختلف در پاسخ به نامه‌های مردم، دانشجویان و علما، با واجب کردن جهاد بر تمام مسلمین، برای آزادسازی فلسطین و حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی، این امر را در اذهان و افکار عمومی مسلمانان زنده نگه داشت. امام در قسمتی از سخنرانی خود به مناسبت بزرگداشت اربعین شهدای قم در نجف، در سال 1356، از اقدامات سادات و شاه ایران در به رسمیت شناختن اقدامات اسرائیل پرده برداشتند. هم‌زمان با تحولات انقلاب اسلامی در سال‌های 56 و 57 در لبنان نیز، اسرائیل علیه فلسطینیان و شیعیان وارد جنگ شد و امام در پیام‌های مکرر به این موضوع اشاره می‌کردند. امام خمینی در 17 /7/ 57، اسرائیل را غدّه سرطانی نامید و بر هر مسلمان تجهیز علیه اسرائیل را لازم دانست. ایشان در قسمتی از پیام خود به مناسبت چهلمین روز شهدای تبریز، از قضیه اسرائیل به عنوان مصیبت بزرگ مسلمین نام برد و آن را ناشی از اقدامات آمریکا و شاه خواندند. در آبان ماه 57 امام در مصاحبه‌ای با خبرگزاری آسوشیتدپرس، موافقتنامه کمپ دیوید را توطئه‌ای علیه فلسطینیان و اعراب و زمینه مشروعیت بخشیدن به تجاوزات اسرائیل دانستند. ایشان در مصاحبه با روزنامه السفیر لبنان، درباره سرنوشت قدس، تنها راه حل را بازپس‌گیری آن و برگرداندن قدس به مسلمین بیان کردند.[68]

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت امام خمینی و به تبع آن نظام جمهوری اسلامی از فلسطین و دشمنی با اسرائیل ادامه یافت. در این راستا آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس نام‌گذاری شد. جمهوری اسلامی همچنین در جهانی شدن مسئله فلسطین کوشش بسیار کرد. امروزه راهپیمایی روز قدس در سراسر کشورهای اسلامی برگزار می‌شود و به این نحو، ملت‌ها به طور آشکار انزجار خود را از رژیم غاصب صهیونیستی اعلام می‌کنند.

جمع‌بندی

مراجع شیعه در راستای مبارزه با رژیم صهیونیستی و دفاع از مردم مظلوم فلسطین، اقدامات متعددی انجام داده‌اند. ایشان بنا بر اصل برادری، با عنایت به تقریب مذاهب اسلامی، هرگز برادران اهل سنت خویش در فلسطین را فراموش نکرده‌اند. در تاریخ موارد بسیاری از حمایت علما و مراجع شیعه از ملت مظلوم فلسطین وجود دارد که در این نوشتار تنها به مواضع تعدادی از مراجع شیعه ایران اشاره شد. علما و مراجع دیگر نیز در این راستا ثابت قدم بوده‌اند. امروز نیز مراجع بزرگوار کشورمان برای مبارزه با غده سرطانی اسرائیل توجه و عنایت ویژه دارند. در این رابطه مواضع حضرت آیت‌ا العظمی

سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بسیار صریح و روشن است.

پی‌نوشت‌ها:

[1] بنیامین ذئب تئودور هرتزل (هرتسل) (1860-1904م / 1239 تا 1283ش) فعال سیاسی یهودی است که جنبش سیاسی صهیونیسم را پایه‌گذاری کرد.

[2] محمدحسن رجبی، نقش علمای شیعه در برابر جنبش صهیونیسم و اسرائیل، روزنامه جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۵، شماره ۷۸۹۴، ص 6.

[3] محمدرضا چیت‌سازیان، چرا اعلامیه بالفور توسط دولت انگلستان صادر شد؟، منتشر شده در سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ انتشار: 5 دی 1401.

[4] مجید صفا تاج، «نقش اعلامیه بالفور در تولد رژیم صهیونیستی»، نشریه پاسدار اسلام، آبان 1391 - شماره 371، ص 47.

[5] محمدحسن رجبی، همان، ص 6.

[6] به عنوان مثال خداوند تعالی در آیه اول سوره اسراء می‌فرماید: سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بَارَکْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ. پاک و منزه است خدایی که در (مبارک) شبی بنده خود (محمّد) را از مسجد حرام (مکّه معظّمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساختیم سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماییم که او (خدا) به حقیقت شنوا و بیناست.

[7] محمدحسن رجبی، همان، ص 6.

[8] احمد نجفی، مروری بر تدبیر شیخ عبدالکریم حائری درباره مسأله فلسطین، منتشر شده در سایت

مباحثات (رسانه فکری تحلیلی حوزه و روحانیت). تاریخ انتشار: 1 خرداد 1399.

[9] عمادالدین فیاضی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1378، ص 70-72.

[10] سید جلال‌الدین مدنی، «آیت‌ا‌ کاشانی و مسئله فلسطین»، منتشر شده در ابرمرد جهاد و اجتهاد آیت‌ا‌ سید ابوالقاسم کاشانی، به کوشش سید محمود خسروشاهی، قلم: انتشارات کلبه شروق، چاپ اول، 1397، ص 110.

[11] مبارزات آیت‌ا‌ کاشانی با رژیم صهیونیستی، منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تاریخ انتشار: 11 دی 1396.

[12]سید جلال‌الدین مدنی، همان، ص 116.

[13]همان، ص 117-119.

[14]همان، ص 119.

[15] سید جلال‌الدین مدنی، آیت‌ا‌ کاشانی و مسئله فلسطین ، منتشر شده در سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

[16] لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ. هر آینه دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت، و با محبت‌تر از همه کس به اهل ایمان آنان را که گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی نصاری نسبت به مسلمین) بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و تکبر و گردنکشی (بر حکم خدا) نمی‌کنند.

[17]سعید قربانی و دیگران، « بحران فلسطین در اندیشه آیت‌ا‌ بروجردی و امام خمینی »، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، سال 9، شماره 4، ص 110.

[18] زهرا سعیدی، نبرد با اسرائیل از راه تقریب مذاهب، منتشر شده در سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ انتشار: 11 اسفند 1400.

[19]سعید قربانی و دیگران، «همان، ص 112.

[20]زهرا سعیدی، همان.

[21]آیه 81 سوره مبارکه مائده. همان.

[22] آیت‌ا‌ الـعظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، جلد دوم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، 1385، ص 421.

[23]همان، ص 402.

[24]همان، ص 405.

[25]همان، ص 402.

[26]در گزارش این سازمان درباره جلسه مزبور و شیوه لغو آن آمده بود: «در اجرای اوامر صادره اقدام و بدین وسیله عین اعلامیه خطی مورد نظر به پیوست تقدیم می‌گردد. ضمناً به استحضار می‌رساند که آیت‌ا‌ گلپایگانی همانطور که در اعلامیه خود خاطر نشان ساخته در نظر دارد عصر روز جمعه پانزدهم جمادی‌الثانی که مطابق با 7 /6 /48 می‌باشد در مدرسه فیضیه با شرکت علماء و روحانیون و طلاب علوم دینی و سایر طبقات مختلفه مردم مراسمی برپا و عزای عمومی اعلام دارند. به استحضار می‌رساند که تشکیل این مراسم را ساواک در مدرسه فیضیه که محل اقامت طلاب و تنها محل مناسب برای تبلیغات طبقه روحانیون می‌باشد مصلحت نمی‌داند و از طرفی ممانعت و جلوگیری از تشکیل این اجتماع نیز - با در نظر گرفتن اوامر صادره دال بر موافقت با توزیع اعلامیه و توجه خاص به تبلیغات عراق مبنی بر متهم نمودن ایران به طرفداری از صهیونیسم،- نتیجه نامطلوبی به بار خواهد آورد. راهنمائی که برای تشکیل این اجتماع با کمترین شرکت‌ کننده به نظر این ساواک می‌رسد به شرح ذیل می‌باشد. عدم شرکت آقای شریعتمداری و نجفی به بهانه‌های منطقی و اکثر طلاب تابع آنان که برای استمزاج از شریعتمداری ساعت 20 روز جاری ملاقاتی به عمل خواهد آمد. چون مدرسه فیضیه جزء موقوفات آستانه مقدسه می‌باشد اصلح

است وسیله آقای عصار اقدامی به عمل آورده شود که آقای تولیت با آیت‌ا‌ گلپایگانی ملاقاتی در این زمینه نموده و گوشزد نماید تشکیل این جلسه در مدرسه فیضیه که به نام شماست ممکن است با اقدامات افراد اخلالگر و ناراحت وضع دیگری را به وجود آورده و به پیشامدهای سوئی منجر گردد که مآلاً از جهت شرعی و مذهبی موجب ناراحتی شما خواهد شد و چون دخالت مأمورین انتظامی و دولتی نیز به صلاح نیست لذا کنترل و مراقبت این مجلس خواه و ناخواه به عهده شخص شما خواهد بود و چنانچه تصور نمایند از عهده این امر بر نخواهید آمد به صلاح خواهد بود قبلاً اقدامات لازم در این مورد به عمل آورید. ساواک نیز به طور محرمانه اقداماتی نماید که میزان شرکت کنندگان را به حداقل برساند. مقرر فرمائید نظریه عالی را با توجه به موارد اشاره شده فوق امر به ابلاغ فرمایند. رئیس ساواک قم.» (منبع: آیت‌ا‌ العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، همان، ص 419)

[27]همان، ص 454.

[28]همان، ص 417.

[29]همان، ص 414.

[30]همان، ص 429.

[31] در ششم خردادماه 46 با شلیک مصری‌ها به هواپیمای متجاوز اسرائیل، جنگ در خاورمیانه شروع شد. در یازدهم خردادماه 46 دولت‌های مصر و اردن، آمریکا را متهم به مداخله در جنگ به نفع اسرائیل کردند، گر چه در ظاهر دولت آمریکا و انگلیس، مانند کشورهای آلمان غربی، ژاپن و ترکیه اعلام بی‌طرفی کردند، لیکن رادیو قاهره اعلام کرد به علت مداخله آمریکا و انگلستان، مصر کانال سوئز را بست، به دنبال این واقعه، دولت بغداد که تهدید کرده بود در صورت کمک غربی‌ها به اسرائیل، اعراب جریان نفت خود را به غرب قطع می‌کنند، جریان نفت خود را قطع کرد. در این ایام اوضاع به شدت رو به بحران نهاد و نگران کننده شد. تا آن که در 15 خرداد همان سال که مصادف 26 صفرالمظفر 1387 بود جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل آغاز شد.

[32]آیت‌ا‌ العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، همان، جلد سوم، ص 203.

[33]همان، ص 201.

[34]در بخش دیگری از این اعلامیه آمده است: «این وقایع از نقشه‌های صهیونیسم بین‌المللی ضد اسلام و کشورهای اسلامی پرده برمی‌دارد و به همه هشدار می‌دهد که بیش از این ذلت و خواری تجاوزات اسرائیل را تحمل نکنند. اکنون برادران مسلمان ما در دست ارتش خونخوار یهود اسیر و از شرافت و ایمان و اخوت اسلامی صدها میلیون مسلمان یاری می‌طلبند و به زبان حال می‌گویند یا لَلْمسلمین. کجا رفت غیرت و حمیت اسلامی شما؟ کجا رفت برادری و فداکاری شما؟ ای مسلمانان چطور تحمل می‌کنید که یهود عنود بر شهر و نوامیس مسلمین مسلط شود؟ بعضی از سران دول اسلامی به جای آن که اَشداء علی الکفار باشند با اسرائیل سازش داشته‌اند تا [اسرائیل] از فرصت استفاده کرده وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را مرتکب شود؟ ...»(این اعلامیه در ص 485، ج 4، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی درج شده است، همچنین: همان، ص 6) این اعلامیه‌ها به دلیل همکاری همه جانبه مردم و ایجاد ارتباط پنهان روحانیان جوان و جوانان شهرها به سرعت توزیع می‌شد و تقریباً به همه جای نقاط ایران می‌رسید. برای نمونه ساواک همدان در گزارشی به مرکز نوشت که امروز «1 /1 /37 تعدادی اعلامیه مضره به امضای شریعتمداری در مورد برگزار ننمودن عید و کمک مالی به مسلمانان لبنان و واقعه اخیر قم و تبریز و شماره حساب بانک پارس 1414 شعبه قم در قریه کوهانی و جهان آباد از توابع نهاوند پخش گردیده است. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، کتاب چهارم، ص 6)

[35]برای آشنایی با مشی سیاسی علامه طباطبایی به مقاله: « پاسخ به شبهه افکنی درباره دیدگاه مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی نسبت به انقلاب اسلامی» منتشر شده در همین سایت مراجعه کنید.

[36] محمد جعفربگلو، چراغ روشنی بخش (جستاری بر مشی سیاسی علامه طباطبایی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1401، ص 65.

[37] سیدهادی خسروشاهی، خاطرات مستند سیدهادی خسروشاهی درباره علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم: کلبه شروق، چاپ اول، 1391، ص 148. همچنین بنگرید:تشکیل حساب از طرف علامه طباطبائی، شهید مطهری و آیت‌ا زنجانی برای کمک به فلسطینیان در سال 1349، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[38] مَنْ أَصْبَحَ لایَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِی یَا لَلْمُسْلِمِینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ. امام صادق (ع): رسول خدا (ص) فرمود: کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.

[39]آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی: 39، سند شماره‌ی 90.

[40]همان، سند شماره‌ی 88.

[41]سیدهادی خسروشاهی، همان، ص 151 تا 154.

[42]محمد جعفربگلو، همان، ص 72.

[43]یهودیان تلاش می‌کنند، در روی زمین فساد به وجود آورند. سوره مائده، آیه 64.

[44]دشمن‌ترین مردم نسبت به مردم مسلمان یهود می‌باشند، سوره مائده، آیه 82.

[45] تنفر خود را از یهود آشکار و آنها را بایکوت نمایید، تا طمع وارد کردن نابسامانی در اسلام را از سر بیرون کنند.

[46]آن کس که اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد (نسبت به امور و سرنوشت مسلمین بی‌تفاوت باشد) مسلمان نیست.

[47] آیت‌ا‌ العظمی سید محمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، جلد سوم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، 1381، ص 65.

[48]همان، ص 58.

[49]همان، ص 306.

[50]همان، ص 577.

[51] آیت‌ا‌ العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، جلد دوم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، 1388، ص 121

[52]همان، ص 129.

[53]همان، ص 55

[54] دشمن تبهکار و ستمگر اعیادش را جشن می‌گیرد در حالی که در سایه تجاوزات ظالمانه او عیدهای مسلمین به عزا تبدیل شده است.

[55]آیت‌ا‌ العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، همان، ص 53.

[56]همان، ص 43.

[57]همان، ص 35.

[58]صحیفه امام خمینی، ج 5، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نسخه الکترونیک، ص 187.

[59]همان، ج 2، ص 324.

[60]همان، ج 1، ص 244 تا 247.

[61]همان، ج 1، ص 262.

[62] جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال 1346 و موضع‌گیری قاطع امام خمینی(ره) علیه رژیم اشغالگر اسرائیل، منتشر شده در سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی.

[63]همان.

[64]همان.

[65]صحیفه امام خمینی، ج 2، ص 194 و 195.

[66]اصول کلی در روابط با کشورهای اسلامی، انتشارات عروج، چاپ پنجم، 1392، ص 101.

[67] غلامعلی رجائی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی(ره)؛ ج 4، انتشارات عروج، چاپ چهارم، 1392، صفحه 118.

[68] بازخوانی پیام‌های مبارزاتی امام خمینی درباره حمایت از فلسطین، منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 22 اردیبهشت 1400.